

از ایران تا آفریقا

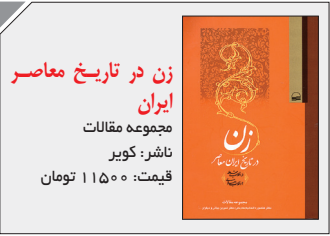
بهزاد عیدی

■ نشر ثالث یکی از ناشرهایی است که کتاب‌های متعددی در زمینه‌های گوناگونی چاپ کرده است و تعداد کتاب‌هایی که در وزارت ارشاد دارم، کم نیست. رمان «گام‌سپ ماهی ندارد» نوشته حامد اسماعیلیون است و کسانی که آن را خوانده‌اند، این رمان را بهترین کار اسماعیلیون می‌دانند. رمان «ملکان عذاب» نوشته ابوتراب خسروی و همچنین مجموعه داستان «تابستان همان سال» تألیف ناصر تقوایی است که همچنان منتظر دریافت مجوز هستند. واهمه‌های خاکستری مجموعه داستانی است نوشته کرمرضا دری‌کوندی که نظیر دیگر کتاب‌های ذکر شده در گرفتن اجازه چاپ معلق مانده است. رمان «پایان محل رویت است» نوشته کوروش اسدی نزدیک به سه سال است که پشت درهای وزارت ارشاد مانده است و مسؤولان هیچ جوابی برای آن نداشتند.اند کتاب «قصه‌های سرزمین دوست داشتنی» مجموعه داستانی است از دکتروف. مترجم این کتاب علی‌رضا کیوانی‌زاد است که نزدیک به شش ماه پیش توسط نشر چشمه به وزارت ارشاد سپرده شد و بعد از اصلاحیه‌های متعددی که بر آن وارد شد، اجازه نهایی چاپ کتاب صادر نشده است. «هتل مالاکو» عنوان داستانی است از نویسنده‌ای آفریقایی «هلن هابیل» که با ترجمه کیوانی‌زاد و نشر چشمه آماده چاپ و نشر بوده اما هنوز در گرفتن مجوز توقیفی نداشت است. «مورخ سر سخت» عنوان داستان دیگری است با همین نشر و مترجم کیوانی‌زاد دلیل موفق نبودن کتاب‌هایش در گرفتن مجوز چاپ از سوی وزارت ارشاد را در چنددستگی بررسی‌های کتاب‌ها می‌داند. او می‌گوید: مشکل اینجاست که آنجا یک همبستگی فکری وجود ندارد. یک بررسی وجود ندارد که نظرش را اعمال کند، بلکه در بررسی یک کتاب چند سلیقه اعمال می‌شود. ممکن است عبارت یا مفهومی از سوی یک کارشناس تأیید شود و از سوی دیگری رد.

پیشخوان کتاب

زن در تاریخ

■ در ایران، از تاریخ زنان در کشورهای خاورمیانه و تحولاتی که موقعیت زن را تغییر داد و متحول ساخت؛ یا بی‌اطلاع هستیم یا کم اطلاع و من به این دلیل این موضوع را انتخاب کردم و به خصوص مصر را برای مقایسه برگزیدم که چون بنابر گفته لیل‌احمد، استاد مطالعات زنان خاورمیانه دانشگاه هاروارد: «مصر آینه کشورهای عربی است»



این کتاب دربرگیرنده ۲۸ مقاله برگزیده سمیناری بین‌المللی است که در زمان ریاست‌جمهوری محمد خاتمی از ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۸۳ در دانشگاه زنجان برگزار شده‌است. مطبوعات زنان در دوران مشروطیت، سازمان‌ها و احزاب زنان در ایران، فعالیت‌های زنان در تأسیس مدارس دخترانه و نیز فعالیت‌های زنان در بخش‌های مختلف فرهنگ، هنر، جامعه، سیاست و اقتصاد در فاصله زمانی مشروطه تا انقلاب، از عمده موضوعاتی هستند که در این کتاب به آنها پرداخته شده است. کویر این کتاب را با همکاری انجمن زنان پژوهشگر تاریخ و با مقدمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) منتشر کرده‌است.

آن سوی آب

سر نوشت جمهوری

■ کتاب «سر‌نوشت جمهوری» که نویسنده‌ی کندیک میلارد، داستان قتل یکی از روسای‌جمهور آمریکاست، داستان قتل جیمز آبرام گارفیلد، این کتاب که در زمره بهترین کتاب‌های ماه سپتامبر سایات «نرژ اند نوبل» است، داستان قتل بیستمین رییس‌جمهور آمریکا را روایت می‌کند. این کتاب ۳۵۲ صفحه‌ای بعد از کتاب «رودخانه تردید» دومین کتاب این نویسنده است.

روز دوم ژوئیه سال ۱۸۸۱ در ایستگاه راه‌آهن شهر واشنگتن به گارفیلد سوءقصد شد. گارفیلد به شدت زخمی شد و چندین هفته در کاخ سفید تحت درمان قرار گرفت. الکساندر گراهام بل، مخترع تلفن به کاخ سفید آمد و تلاش کرد محل گلوله را در بدن رییس‌جمهوری به دستگاه الکتریکی‌ای که خود طراحی کرده بود ردیابی کند، اما موفق نشد. روز ششم سپتامبر گارفیلد را به کنار دریا در نیوجرسی منتقل کردند. با آنکه پس از چند روز به نظر می‌رسید حال گارفیلد رو به بهبود است، اما روز نوزدهم سپتامبر سال ۱۸۸۱ به دلیل عفونت و خونریزی درگذشت.

اگر از خواندن کتاب‌هایی در مورد آبراهام لینکلن و جان اف کندی لذت می‌برید به شما پیشنهاد می‌کنیم این کتاب را بخوانید.



علیرضا روشن

پیشینه ممیزی کتاب در شکل امروزی

انتخاب تیت‌ر ذکر شده پیشینه ممیزی کتاب در «شکل امروزی» به دلیل این است که قرار نیست ریشه‌های ممیزی کتاب را فرضا در دوران سلطان محمود غزنوی که کتابخانه‌های سمرقند و بخارا را به آتش کشیده جست‌وجو کنیم، منظورمان «عبدالله مسعود» نیست که «شفا»ی ابن‌سینا را «شقا» و مایه هلاکت پادشاهان قبلی دانست و در طشت آبی، آن کتاب ۱۰جلدی را پیش چشمان «بوقره اسکندری» خمیر کرد، به بی‌هفی کار نداریم که سربازان سلطان مسعود به خانه او ریختند و اسنادش را نابود کردند و آتش زدند تا تاریخ او لونی دیگر نگیرد. آنچه از «سانسور» منتظر ماست، از زمان ناصرالدین‌شاه و به پیشنهاد «صنیع‌الملک» (اعتمادالسلطنه) شروع شد. پیشنهاد صنیع‌الملک به ناصرالدین‌شاه، تأسیس اداره‌ای به نام «داره سانسور» بود که از طریق آن مطالب و محتوای کتب و روزنامه‌های وارده (نه روزنامه‌های داخلی دولتی) تفتیش می‌شد تا زبانه شعله خشم شاهنشاهی گناهکار و بی‌گناه را خاکستر نکند. صنیع‌الملک در باب هشتم «المأثر والاثر» نوشته است: «بنده نگارنده حاضر در گاه بود، معروض نمود که دولت‌های اروپیه اروپایی،ا برای سد راه این عیب از ممالک خویش دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن سانسور است و چون شرحی از شرایط و شئون آن براندم بر خاطر مبارک بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تحت نظر این خانه‌زاد در حدود ایران سانسور ایجاد شود…»

سرانجام در تاریخ پنجشنبه دوازدهم رجب ۱۲۸۰ هجری قمری (۱۲۳۸ ش.) طبق اعلانی که در «روزنامه علمیه دولت علیه ایران» به چاپ رسید، صنیع‌الملک رییس و «مراتب و مواظب» تمامی امور چاپخانه‌های ممالک محروسه شد.

عمده سانسور یا ممیزی در زمان ناصرالدین شاه، به غیر از جلوگیری از انتشار روزنامه میهن که اولین روزنامه توقیف شده تاریخ مطبوعات است، شامل جلوگیری از ورود روزنامه‌هایی می‌شد که خارج از کشور حکومت را به باد انتقاد می‌گرفتند. در زمان مظفرالدین‌شاه نیز به دلیل روزافزون شدن جراید ایرانی در خارج از کشور، علنا اعلام شد روزنامه‌های داخلی هر مملکت – به‌خصوص روزنامه‌های سیاسی و رسمی – آنهایی هستند که داخل مملکت به طبع و نشر می‌رسند و روزنامه‌هایی که خارج از کشور منتشر می‌شوند، روزنامه‌های مملکتی نبوده و ورود آنها به کشور اکیدا ممنوع است.

شاید نخستین جرقه‌ای که در تاریخ سانسور – به شکل امروزی آن – جهید، در کلام میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل نمودار باشد که در اعتراض به اداره انطباعات نوشت: «چه فرقی هست بین زمان استبداد و حکومت مشروطه که نویسنده مجبور است پیش از نشر اثرش، دو جلد از آن را به اداره انطباعات بدهد و اجازه بگیرد؟»

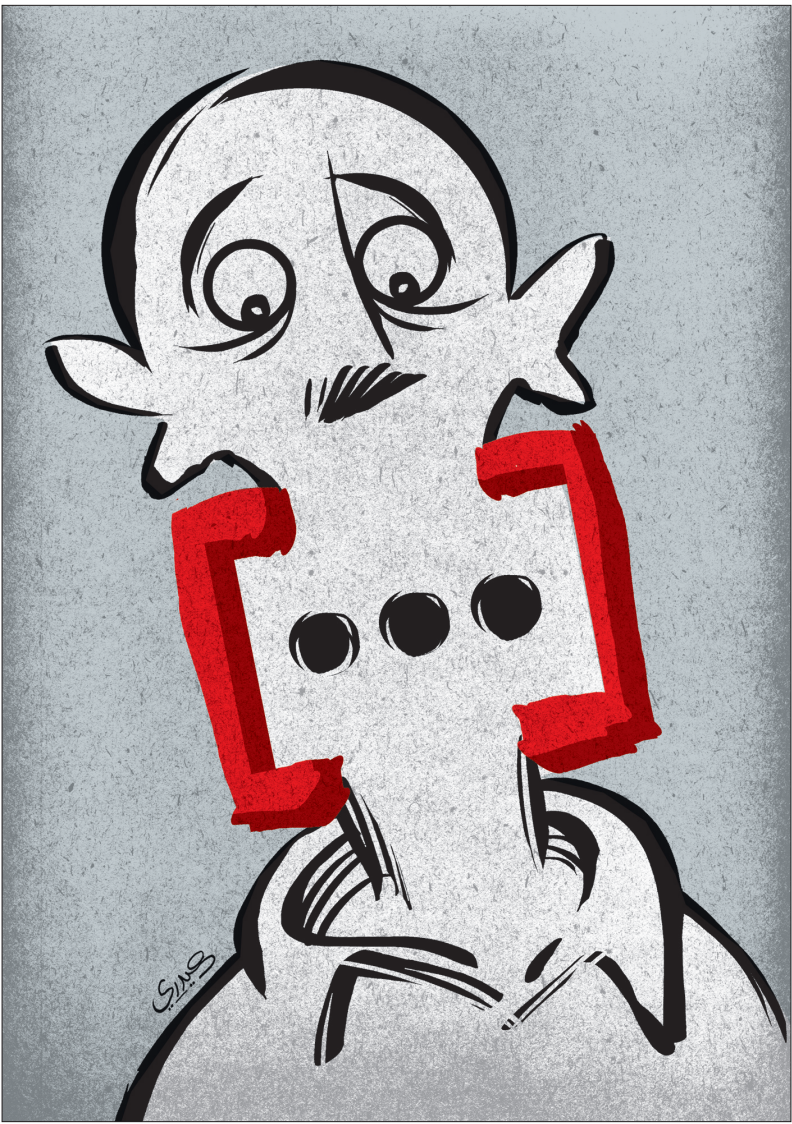
حمله صوراسرافیل و اعتراض اعضای «انجمن گلستان»، به تصویب قانون مطبوعات در شش فصل و ۵۳ ماده انجامید که اعلام می‌کرد: «انتشار عامه مطبوعات غیر از کتب ضالار و مواد مضره به دین مبین اسلام آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است.» پس از به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی، علاوه بر شکستجه و زندانی کردن بسیاری از نویسندگان و تعطیلی خیل مطبوعات، درج کوچک‌ترین خبر، حتی آگهی‌های خصوصی، بدون دخالت و نظارت شهرتانی، ممنوع اعلام شد. نقل است: «خری بزدی» شاعر براوازه را که آن زمان مدیر روزنامه طوفان بود، به خاطر شرایط سفت و سخت ممیزی گرفتند، زندانی کردند، لب‌هایش را به هم دوختند و به شکل غم‌انگیزی کشتند.

ممیزی در دوران پهلوی دوم

سیر جدیدی که در تاریخ ممیزی کتاب در ایران ایجاد شده بود، به سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برمی‌گردد. کودتاچیان که بعدها هسته اصلی ساواک را تشکیل دادند، دایعه‌دار نظارت دایمی بر مطبوعات و انتشارات شدند. همان زمان نیز دایره‌ای با نام «دایره ممیزی» در وزارت فرهنگ و هنر وقت ایجاد شد که ممیزی نشریات، اعم از کتاب و مطبوعات و نظارت بر انتشار کتب مذهبی را در حیطه وظایف خود داشت اما ممیزی سیاسی کم‌اکان برهمده ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) بود. «ممیزی پس از چاپ و پیش از انتشار» طرحی بود که توسط «امیرعباس هویدا» ریخته شد. منقول است بعد از تأسیس «حزب رستاخیز» در سال ۱۳۴۵، ساواک مستقیما بخش بزرگی از انتشارات را از طریق وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداری و سازمان جلب سیاحان (گردشگری امروزی) کنترل می‌کرد. نتیجه این کنترل رو به انحصار و اعمال محدودیت در دایره‌ای بسته‌تر، افت شدید تعداد عناوین بازار نشر در سال‌های پایانی دهه ۴۰ بود. رقم کتاب‌ها در سال‌های موردنظر دهگتا از چهارهزار عنوان در سال به ۱۳۰۰عنوان تقلیل پیدا کرد و از تبعات همین افت به ظاهر ناگهانی اما در باطن ریشه‌دار بود که طبق

گزارش ممیزی از قاجاریه تا انقلاب

قانون ممیزی – ممیزی قانون



فرح هادی صیری، فریق

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مغل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند» «قانون اساسی – اصل ۲۴ممیزی قبل از انتشار کتاب، هم با قانون و هم با مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مغایرت دارد و با وجود این، هم ناشر و هم مولف از اعمال سلیقه بررس‌ها، نبود سازوکار روشن برای ممیزی کتاب گله دارند. این گزارش سوال می‌کند: آیا قانون یا دست‌کم چارچوب مدون مشخصی برای ممیزی کتاب وجود دارد؟ اگر بله پس چرا تا به حال هیچ جزوه یا اساسنامه مدونی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی کتاب و نشر به ناشران بخشنامه نشده است و اگر خبر، بر اساس کدام معیار و ضابطه‌ای بررس‌ها، دست‌نوشته‌ها و اندیشه‌هایی را که در قالب کتاب ریخته شده دستکاری می‌کنند؟ چرا از ناحیه شورای بررسی و ممیزی کتاب این وزار تخانه هیچ سندی به ناشران مبنی بر تصحیح موارد «اصلاحی»، «حذفی»، «مبهم» و «مشروطی» داده نمی‌شود و مسؤولان تنها به ذکر این موارد اکتفا می‌کنند؟ اگر موارد مطرح شده از جانب ممیزها، مطابق نص قانون و مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هستند، چرا روی کاغذهای سرب‌رگ‌دار و مهپور و مهر وزار تخانه با معاونت فرهنگی یا دست‌کم شخص حقیقی و حقوقی ذکر نمی‌شوند؟ و اگر نه، بررس‌ها کدام معیار و قاعده را در حذف و دست‌کاری کتاب‌ها مینا قرار می‌دهند؟ و حتی اگر این کاغذها سندیت داشته باشند، چرا پس از چاپ و انتشار کتاب – اگر مشکل یا شکایتی بیش آمد – باز این ناشر و مولف است که به دادگاه احضار می‌شود؟ برای اینکه مخاطب خود به این پرسش‌ها پاسخ بدهد ما تاریخچه ممیزی، نهادهای متولی و شیوه‌های ممیزی کتاب و انتشارات در ایران را پیش چشم او می‌گذاریم. ابتدا ممیزی در قبل از انقلاب (از عهد ناصری تا پایان حکومت پهلوی) مورد بازگویی قرار می‌گیرد و سپس به ممیزی کتاب در بعد از انقلاب اشاره خواهد شد.

تصویرنامه سال ۱۳۴۸ دولت وقت اعلام شد: «تیزرژ روزنامه‌ها و مجلات نباید از سه هزار شماره کمتر باشد. تیزرژ پایین‌تر از آن نشان می‌دهد نشریات خوداندی نیستند و باید حذف‌شان کرد.»

نهادهای رسمی سانسور کتاب در عهد پهلوی دوم

ممیزی کتاب در زمان پلهوی دوم، ابتدا توسط «داره نگارش» (داره کتاب فعلی) انجام می‌شد که از توابع وزارت فرهنگ و هنر بود. بررس‌های این اداره در سانسور کتاب هیچ قانون یا چارچوبی پیش‌رو نداشتند و به درد اعمال سلیقه دچار بودند و چون چارچوبی در کار نبود، لاجرم هرچه را فکر می‌کردند ممکن است یک زمانی برای ایشان دردسرساز شود، خود به خود حذف می‌کردند که نمونه‌ای از همین حذفیات، سانسور کتاب‌های کسبیسیر به دلیل احتمالی اهانت به شخص پادشاه بود. کتابخانه ملی نیز باوجود یدک کشیدن بار سنگین معنایی اسمش، وظیفه خطیر دیگری را هم عهده‌دار بود. آن زمان مقرر بود از هر کتاب برای گرفتن شماره ثبت، سه نسخه به کتابخانه ملی ارسال شود. این شماره ثبت علاوه بر آنکه دسترسی عاملان ممیزی را به کتاب‌ها آسان می‌کرد، نویسنده و ناشر را نیز به درد لاعلاج خودسانسوری مبتلا کرده بود. در قانون مصوبه سال ۱۳۴۲ تأسیس وزارت اطلاعات وقت ذکر شده بود که نظارت بر اجرای ماده اول قانون مطبوعات برعهده وزارت اطلاعات است. پس از تغییر نام و گسترش محدوده مسؤولیت وزارت اطلاعات به «وزارت اطلاعات و جهانگردی» در سال ۱۳۵۲، نظارت و هدایت امور مربوط به وسایل ارتباط جمعی، به جهت تأمین مصالح ملی، برعهده وزارت جدید قرار گرفت. اداره نگارش وزارت فرهنگ نیز ابتدا مسؤول نظارت بر تهیه کتب درسی بود که پس از تغییر نام و ساخت وزارت فرهنگ به وزارت فرهنگ و هنر، مجری ممیزی و نظارت بر کتاب شد. اداره چهارم سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) نیز در همین دوران عهده‌دار و مامور ممیزی و نظارت بر فعالیت‌های ادبی و هنری بود.

سلیقه‌های شخصی بررس‌ها گرفته شود، با وجودی که اصل ۲۴ قانون اساسی مطبوعات و نشریات را در بیان مطلب، به شرطی که مغل مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشند، آزاد گذاشته و در مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی درباره «اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» ذکر شده «آزادی کتب و نشریات در بیان مطالب» و «موظف بودن دولت و همه ارکان حکومت به حمایت از حریم آزادی کتب و نشریات مجاز»، باز شاهد اعتراض‌های رسمی و غیررسمی و پراکنده یا متمرکز به شیوه‌های اعمال ممیزی بر کتاب و نشر هستیم.

چه کتاب‌هایی نباید منتشر شوند

در مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی درخصوص «حدود قانونی» نشر کتاب آمده است: «نشر کتاب، همان‌گونه که ممکن است مظهر و نمودی از آزادی‌های اجتماعی و انسانی تلقی گردد، چه بسا مورد سوءاستفاده و اشاعه لابیالی‌گری فکری و اخلاق در حقوق عمومی قرار گیرد.»

همین مصوبه که «مسوولان دستگاه‌های ذی‌صلاح» از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به حفظ و حراست از فضای سالم و سازنده طبع و نشر موظف می‌کند، با تکیه بر قید «مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی» در اصل ۲۴ قانون اساسی، کنی را که «شایسته نشر نیست» برمی‌شمارد: «الف – تبلیغ و ترویج الحاد و انکار مبانی دین. ب – ترویج فحشا و فساد اخلاقی.

ج – برانگیختن جامعه به قیام علیه جمهوری اسلامی.

د – ترویج و تبلیغ مراسم گروه‌های محارب و غیرقانونی و فرق ضاله، همچنین دفاع از نظام سلطنتی و استبدادی و استکباری و…»

در تصویرهای مربوط به موارد غیرقابل نشر آمده است «ملاک منع در حکم به اخلاล به مبانی اسلام و حقوق عمومی و اخلال در مورد کتب ضاله تأثیر و فعلیت است، در تبصره دوم اشاره می‌کند که کتب تحقیقی و علمی حتی در زمینه مکاتب الحادی و غیر آن که فاقد موضع‌گیری تبلیغی و ترویجی باشند.» (روح کنید به مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی)

«احمد رجب‌زاده» در مقدمه کتاب «ممیزی کتاب» با اشاره به اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تنها عهده‌دار بررسی و مطابقت کتاب با موازین قانونی است، می‌نویسد: «ما این [مصوبات] ما را به سیاست‌های درونی و نانوشته وزارت و سلاقی مسؤولان واگذار می‌کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «اینکه بررسان کتاب چه کسانی باید باشند؟ در خصوص انواع کتب چه کسانی صلاحیت اظهار نظر دارند؛ مصادیق موارد هفت‌گانه اخلال به مبانی اسلامی و حقوق عمومی که از سوی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تعیین شده کدامند؟ نحوه تشخیص آن چگونه است؟ و ده‌ها عنصر اساسی دیگر، که در یک ساز و کار کنترلی باید مشخص شوند، نامشخص و غیر مدون باقی مانده است.»

نمونه‌هایی از اعمال سلیقه بررس‌ها

گله‌گذاری عده کثیری از ناشران که ممیزی پیش از انتشار کتاب را کاری غیرقانونی می‌دانند علاوه بر مشخص نبودن نام و هویت بررس‌ها، این است که بررس‌ها در بررسی کتاب، فرض و ضابطه قانونی را مورد استناد قرار نمی‌دهند و موارد مورد تذکر را بر برگاهی بی‌نام و نشان تحویل ناشر می‌دهند تا موارد، عبارات و صفحات فلان و فلان را حذف کند یا تغییر بدهد.

با وجود این در سال ۱۳۷۵ برای مدت کوتاهی موارد ممیزی کتاب‌ها روی برگه‌های آرم و علامت‌دار و با مهر و امضاء ناشران انجام می‌شد که دربی ناپایید و باز به سیاق دوره گذشته به اعمال غیررسمی ممیزی پرداخته شد. چون ناشران توانسته بودند بر اساس همان برگه‌های مهپور و سرب‌رگ‌دار، از عاملان ممیزی شکایت کنند.

بر اساس همین اسناد بود که دکتر احمد رجب‌زاده، در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵ پژوهشی انجام داد که نوع نگارش و شیوه ممیزی بررسی‌های کتاب را در سال یاد شده نشان می‌دهد. از جمله سندهایی که در این دوران کوتاه به دست آمد اینها هستند: کتاب‌های مربوط به طب و جراحی: «طب بررس از مولف کتاب «طب فشاری» که رابطه بین دهلیزهای قلب را چهار درپچه ذکر کرده، خواسته است تعداد آنها را به دو درپچه تغییر دهد.

ادبیات داستانی: بررس بدون توجه به بار استعاری این بیت حافظ: «گرچه بیرم تو شبی تنگ در آغوشم کش / تا سرچه ز کنار تو جوان برخیزم» آن را از کتاب «تسیم سبلان» طاهر طالبی حذف کرده‌است. ادبیات عامه: بررس ضرب‌المثل «تره به تخمش می‌ره حسنی به باباش» را به دلیل «عدم عفت کلام» از کتاب کشکول ضرب‌المثل حذف کرده‌است.

و صدها سند دیگر که دامنه آن از حذف کلمه و صفحه تا فصل یا گاهی کل کتاب گسترده است. در چنین وانفسایی که قانون مورد جرح قرار می‌گیرد سوال این است که آیا می‌توان بر عده‌ای بررس خرده گرفت که ممکن است آتش خطر کمدقتی‌های احتمالی در ممیزی کتاب‌ها دامن خودشان را هم بگیرد و به دست قانونی دیگر بسپاردشان؟

خبر

مدیرکل اداره کتاب ارشاد:

دنبال استیفای حقوق خوانندگان هستیم

■ خبرگزاری فارس: مدیرکل اداره کتاب و کتابخوانی گفت: وقتی که اثری بخواهد بازنویسی شود یا از قالب نظم به نثر، به صورت برگزیده درآید، طبیعی است که براساس مصوبات قانونی چنانچه بخش‌هایی نیاز به اصلاحیه داشته باشد و متناسب با گروه سنی نوجوان نباشد، از ناشر خواسته شود تا اصلاحاتی را اعمال کند.

۴ در یکی از رسانه‌ها اعلام کرده بودید که مسایل صدور مجوز نباید رسانه‌ای شود؟ اما توضیح دهید که در اداره کتاب، مسؤولان این اداره با ناشران و نویسندگان چگونه تعامل دارند؟ آیا بهتر نیست در این راستا با هم به تفاهم برسند تا در صدور مجوزها شاهد بلاتکلیفی نویسندگان و ناشران نباشیم؟

حوزه اداره کل کتاب هم مانند سایر اداره‌هایی که در مجموعه‌های دولت فعالیت می‌کنند شرح‌وظیفه‌ای برعهده دارد و تلاش می‌کند این شرح‌وظیفه را با توجه به امکانات، به نحو مطلوب به سرانجام رساند. این عنوان شده که مسایل مربوط به ممیزی و نظارت پیش از چاپ را از طریق مسؤولان ذی‌ربط انجام دهیم، طبیعی است که با سرعت خوبی همکاران علمی ما کارها را دیده و مسایل را به ناشران ارایه می‌کنند و چنانچه به اصلاحات نیاز باشد، اصلاحات به ناشران ابلاغ می‌شود، اما گاهی دیده می‌شود ناشران نسبت به اصلاحیه‌های ابلاغی توجیه ندهند.دند و ملاحظاتای دارند، اما رویه ما این گونه است و ما آن را جزو نقاط قوت می‌دانیم که با نویسندگان، ناشران و مترجمان نشست، وقت گذاشته و با آنها محبت کرده و سعی کنیم تا به یک تفاهم و افنا برسیم؛ به این معنا که وقتی امکان گفتو شوند دیدگاه‌های یکدیگر وجود دارد و می‌توان با روش اغنیای کار را پیش برد، بهتر است که با همان حوزه تخصصی کار انجام شود، البته در سایر اداره‌ها هم این گونه است. هنگامی که ارباب‌رچوع‌ها به سایر اداره‌ها هم مراجعه می‌کنند با افراد ذی‌ربط در این زمینه صحبت می‌کنند و از قبل آن را پیگیری کرده و تفاهمی برای ادامه کار پیش می‌آید، این‌ حوزه هم این‌گونه است. در آغاز ما بر حسب ضوابط نشر کشور موظف هستیم در حقیقت به ناشر، نویسنده و مترجم کمک کرده و کار نگهبانی را انجام دهیم زیرا جریان نظارت پیش از چاپ را یک جریانی در کنار ناشر، نویسنده و مترجم می‌دانیم، و در این مسیر درصدد تحقق حقوق خوانندگان نویسنده و ناشر و از آن بزرگ‌تر یعنی حقوق مولفان هستیم تا این حق استیفا شود که کمک کنیم آثاری در جامعه منتشر شود که به لحاظ محتوا در هر حوزه‌ای چه فرهنگی و چه سیاسی اطلاعات افراد را بالا برده تا آراش روانی و فکری در جامعه ترویج یابد و با مطالعه کتاب‌هایی که ممکن است اشکالاتی در آنها باشد آراش فکری و روانی در حیطه شخصی دچار خطا و اشکال نشود.

۴ موضوع اداره کتاب درباره آثار کلاسیک و اصلاحیه آنها چگونه‌است؟ بر‌خورد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره کتاب یا آثار مشاقله چگونه خواهد بود؟ مگر خطرقرمزها مشخص نیست که نویسندگان مدام با اصلاحیه مواجه می‌شوند و از آن عدول می‌کنند؟

درخصوص آثار کلاسیک نحوه‌چاپ برای گروه‌های سنی متفاوت است؛ آثار کهن در حوزه میراث ادبی ما تا به امروز در کشور طی سال‌های گذشته به همان شکل کامل منتشر شده، اما وقتی که اثری بخواهد بازنویسی شود یا از قالب نظم به نثر درآید و در اختیار کودکان قرار گیرد، باید حجم اثر کمتر و اثر به صورت برگزیده باشد. طبیعی است که براساس مصوبات قانونی و کارشناسی‌ای که وجود دارد آثار مطالعه می‌شود و چنانچه بخش‌هایی نیاز به اصلاحیه داشته باشد و متناسب با گروه سنی نوجوان نباشد، از ناشر خواسته می‌شود تااین اصلاحات را انجام دهد.

۴ در بخش بازخوانی و اداره کتاب چه تعداد کارشناس مشغول فعالیت‌هاست؟

در حوزه‌های کارشناسی متناسب با شاخه‌های موضوعی، مثلا حوزه دین، روان‌شناسی، ادبیات داستانی (تألیف، ترجمه ادبیات کهن یا شعر) که هر کدام زیرشاخه‌های موضوعی دارند و کارشناسانی کار را انجام می‌دهند که در آن حوزه و شاخه توانمندند و زبردستی دارند، این امر برای بخش و حوزه بزرگسال است و طبیعی است که دبیرخانه حوزه نظارت بر ضوابط نشر در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان را هم داریم که کارشناسان امر و آگاه به مسایل نشر در حوزه کودک و نوجوان در آن حاضر هستند و چنانچه اثر به صورت برگزیده باشد، طبیعی است که براساس مصوبات قانونی و کارشناسی که وجود دارد آثار مطالعه می‌شود و اگر بخش‌هایی نیاز به اصلاحیه داشته باشد و متناسب با گروه سنی نوجوان نباشد، از ناشر خواسته می‌شود تا این اصلاحات را انجام دهد.

۴ چرا اهرز چند گاهی شاهد بر خورد سلبی با برخی آثار هستیم؟ حتی کتاب‌هایی که از سوی ناشران بزرگی چون سوره مهر منتشر می‌شود یا یا برخی کتاب‌هایی که برگزیده جوایز ادبی‌ای هستند که داوران آن مذهبی و در خدمت نظام هستند ولی باز هم با آنها شاهد چنین برخورد‌هایی‌هستیم؟

به این معنا، سخن از برخورد سلبی درست نیست چرا که برخورد سلبی صورت نمی‌گیرد، طبیعی است که هر اثری که بخواهد منتشر شود براساس قانون باید به دبیرخانه هیات نظارت بر ضوابط نشر کتاب ارایه شود و ضمن کارشناسی اگر مواردی باشد که احبانا منطبق با بخش‌هایی از ضوابط نباشد باید اصلاحات بر آن اعمال شود.